

**مگ "محمدعلی فروغی"، سیاستمدار، نخست‌وزیر، نویسنده، (1321 ش)،**

محمدعلی فروغی در سال 1254 شمسی به دنیا آمد و پس از مرگ پدر به "ذکاءالملک" ملقب گردید. جد اعلاي این خانواده از یهودیان بغداد بود که برای تجارت به ایران آمد و در اصفهان سکنی گرفت و مسلمان شد. پدر فروغی از معاریف فرهنگی زمان خود به شمار می‌رفت که تحت تأثیر میرزا ملکم خان از پیشکسوتان ترویج فرهنگ غربی و فراماسونری در ایران به شمار می‌رود. محمدعلی فروغی مشوق احمدشاه قاجار برای استعفا بود و در به قدرت رسیدن رضاخان و تأسیس سلسله پهلوی، نقشی اساسی ایفا کرد. او نخستین رئیس الوزرای رضاخان بود که شانزده سال بعد نیز برای اولین بار تاج پادشاهی را بر سر محمدرضا پهلوی نهاد. فروغی معتمدترین شخصیت سیاسی ایران از نظر دربار لندن جهت پیشبرد سیاست‌های استعماری بریتانیا در ایران محسوب می‌شد. او در تمام مراحل سیاست‌های ضداسلامی خود و رضاخان، مورد حمایت مستقیم انگلیس قرار داشت. فروغی همچنین در چندین دوره مجلس شورای ملی به نمایندگی برگزیده شد و یک بار به ریاست آن رسید. پس از فرار رضاخان، ذکاءالملک، عامل مهمی در کنترل اوضاع داخلی و روی کار آوردن و تثبیت محمدرضا بود و توانست با وعده‌های توخالی، مردم را فریب دهد. فروغی پنج بار وزیر امور خارجه، چهاربار وزیر دارایی، سه بار وزیر دادگستری، چهار بار وزیر جنگ، یک بار وزیر اقتصاد، یک بار کفیل نخست وزیر، یک بار رئیس مجلس شورای ملی و سه بار نخست وزیر شد. محمدعلی فروغی سرانجام در 5 آذر 1321 ش، در 67 سالگی، هنگامی که وزیر دربار محمدرضا پهلوی بود، بر اثر سکت قلبی درگذشت. فروغی دارای دو چهره متضاد است. یکی سیاستمدار و دیگر دانشمند، ادیب و فیلسوف. وی علاوه بر اینکه آثار متعددی را پدید آورده است ولی در بعد سیاسی، از افراد ذی نفوذ و مؤثر در تثبیت سلطنت استبدادی پهلوی اول و دوم به شمار می‌رود.

تشکیل بسیج مستضعفین به فرمان "امام خمینی" (ره) و روز بسیج (1358 ش) به دنبال پیروزی انقلاب، دست غارتگران استعمارگر از ایران قطع شد و منافع آنان به خطر افتاد. آنان از آن پس برای حفظ منافع خود به فکر مقابله با انقلاب افتاده و علیه آن توطئه کردند. یکی از خطرانی که انقلاب نوپای اسلامی را تهدید می‌کرد، حمله نظامی بود. بنابراین حضرت امام خمینی (ره) در پنجم آذرماه سال 1358 فرمان تشکیل بسیج مستضعفین را صادر کردند و همگان را به تشکیل ارتش بیست میلیونی فرا خواندند. این نهاد مردمی با داشتن نیروهای با ایمان، فداکار و پرتلاش که از متن جامعه برخاسته‌اند، در تمام صحنه‌های انقلاب اسلامی به ویژه در طول 8 سال دفاع مقدس ملت ایران، نقشی تعیین کننده داشته است. در طول هشت سال دفاع مقدس، بسیج آن‌چنان درخشید که دشمنان اعتراف کردند قدرتی که در بسیج نهفته است، توان مقابله با ارتش‌های کلاسیک جهان را دارد. بسیج، وظیفه جذب، آموزش و سازمان‌دهی نیروهای مردمی و اعزام آنها به جبهه‌های نبرد را برعهده داشت و توانست با سامان دادن به نیروهای مؤمن و ارزشی، ارتشی مردمی را پی ریزی کند. بسیج، اکنون نیز در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و نظامی ایران اسلامی، با همان شور و نشاط اولیه، حضوری فعال دارد.

درگذشت "سیدحسن میرخانی" استاد خوشنویسی معروف به "سراج الکتاب" (1369 ش) استاد سیدحسن میرخانی معروف به سراج الکتاب فرزند سید مرتضی حسینی برغانی در سال 1291 ش در تهران به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی، هنر خطاطی را نزد پدر و استادان برجسته خطاطی ایران فرا گرفت. او در مدتی بسیار کوتاه، در خوشنویسی به درجه استادی رسید و سپس به تدریس پرداخت. استاد میرخانی در نوشتن تمام انواع خط از قبیل نسخ، ثلث، تعلیق و شکسته و به ویژه خط نستعلیق، مهارتی بسیار داشت و در سرودن شعر نیز توانا بود. این استاد بزرگ خوشنویسی، بیش از شصت جلد کتاب با خط خوش نوشت که خوشنویسی کلیات سعدی و دیوان حافظ و نیز دیوان اشعارش از آن جمله است. ایشان همچنین در تأسیس انجمن خوشنویسی ایران نقش مهمی ایفا کرد. استاد سید حسن میرخانی سرانجام در پنجم آذر 1369 ش در 78 سالگی در تهران درگذشت.

تخلیه و خروج نیروهای استعماری انگلستان از سرزمین آمریکا (1783 م) انگلستان از اولین سال‌های قرن هفدهم حضور استعماری خود در آمریکا را آغاز نمود و آن منطقه را برای فعالیت تجاری بازرگانان انگلیسی آماده کرد. هم‌زمان با انگلستان و پیش از آن، سایر کشورهای اروپایی همچون اسپانیا و فرانسه نیز در آمریکا حضور استعماری داشتند. سلطه‌گران اروپایی علاوه بر تاراج منابع و ذخایر ارضی، به قتل عام بومیان و سرخ‌پوستان این منطقه مبادرت می‌ورزیدند. با این حال از سال‌های نخست قرن هجدهم، فعالیت‌های استقلال‌طلبانه در آمریکا رشد نمود و به صدور اعلامیه استقلال آمریکا در چهارم ژوئیه 1776 م انجامید. در عین حال جنگ‌های استقلال ادامه یافت و نیروهای فرانسوی نیز بر اساس مصالح خود در اروپا، به کمک استقلال‌طلبان آمدند. از سوی دیگر انگلستان نیز خواهان پایان جنگ و خروج از باتلاقی بود که پایان نداشت. از اوائل سال 1782 م مذاکرات صلح به صورت محرمانه آغاز شد و با به رسمیت شناختن استقلال آمریکا توسط انگلستان خاتمه یافت. بر اساس توافقات به عمل آمده، کانادا در اختیار انگلستان باقی ماند و سایر مناطق، استقلال خود را به دست آوردند. سرانجام این قرارداد که مسئله مالکیت مناطق دیگری از جهان را نیز تعیین می‌نمود، در سپتامبر 1783 م به امضاء رسید. با این حال هنوز یک سپاه انگلیسی در بندر نیویورک

حضور داشت. بالاخره در 25 نوامبر 1783م آخرین کشتی انگلیس این بندر را ترك نمود. بدین ترتیب حضور مستقیم و استعماری انگلستان در امریکا پس از حدود دو قرن، خاتمه یافت. انگلیسی‌ها از يك طرف معتقد بودند امریکایی‌ها بعداً از این جدایی پشیمان شده باز هم به دامان انگلستان باز می‌گردند و از سوي دیگر، با آزاد شدن نیروهای انگلیسی از منطقه امریکای شمالی، انگلستان توانست در مناطق دیگر جهان به گسترش مستعمرات خود بپردازد.